یادداشت

حسین فصیحی

ایست به خرمدین

اطلاع‌رسانی درباره پرونده بابک خرمدین متوقف شده‌است. این بدترین اتفاقی است که می‌شد به واسطه آن افکار عمومی را در ابهام نگه داشت. تکان‌های پرونده بابک خرمدین آن قدر زیاد بود که توانست اخبار برجام و انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد. انتظار برای شنیدن خبری تازه در مورد پرونده موضوعی بود که خیلی زود به دیالوگ‌های روزمره و اشتراک‌گذاری فکاهی‌های تلخ هم تبدیل شد، با این حال توقف اطلاع‌رسانی در این باره، اتفاقی ناخوشایند است که بیش از هر چیز به بی‌اعتمادی عمومی و دامن زدن به موضوعات فرعی منجر خواهد شد. تردیدی وجود ندارد که تحقیقات دادسرای امور جنایی در جریان این پرونده به خوبی صورت خواهد گرفت و از متهمان و افراد مرتبط در این باره تحقیق خواهد شد. قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی از قضات باتجربه‌ای است که سال‌ها در کسوت بازپرسی به پرونده‌های بسیاری رسیدگی کرده و این پرونده نیز زیر نظر او جریان دادرسی را به خوبی طی خواهد کرد.

تا این جای کار اکبر خرمدین و همسرش جزئیات قتل داماد و دوفرزندشان را شرح داده‌اند. خبرنگاران در جریان تحقیقات میدانی به محل زندگی این خانواده هم رفته و با همسایه‌ها و اعضای دیگر خانواده‌اش مصاحبه کرده و اطلاعات آن را در اختیار افکار عمومی قرار داده‌اند. بنابراین جامعه شدت تأثیرپذیری از حادثه را طی کرده و به مرحله تحلیل چرایی حادثه رسیده‌است که نیاز است اطلاعات بیشتری که مورد راستی آزمایی قرار گرفته منتشر شود.

فارغ از موضوعات مطرح شده رقم خورده، مصاحبه‌و یادداشت‌های بسیاری هم درباره چرایی حادثه از زبان کارشناسان انجام شده و در رسانه‌ها مطرح شده است. موضوعات مطرح شده هر چند به پرسش‌های مطرح شده بسیاری پاسخ داده اما مشخص است پرونده معماهای بیشتری را با خود به همراه دارد.

در این بین بسیاری بر حفظ حریم خصوصی این خانواد تأکید دارند که حرف درستی است با این حال باید به این موضوع هم توجه کرد که ماهیت خبر حوادث گره خوردن به بسیاری از موضوعات خانوادگی طرفین را به همراه خواهد داشت که رسانه‌های رسمی محوریت فعالیت خود را با احترام به تلاش برای حفظ حریم‌های مطرح شده دنبال کرده و می‌کنند که امید است تا فرجام این پرونده هم دنبال شود.

همه موضوعات مطرح شده که در رسانه‌های رسمی مطرح می‌شود که با آن چه در فضای مجازی در جریان است تفاوت ماهوی دارد. فضای مجازی فضایی لجام گسیخته است که عمده کاربرانش از سواد رسانه‌ای برخوردار نیستند و دست به انتشار اخبار منتشر شده بدون راستی آزمایی می‌زنند و به نگرانی‌های موجود دامن هم می‌زند.

تاکنون پرونده‌های جنجالی بسیاری روح عمومی جامعه را آزار داده‌است با این حال طرح موضوعات پرونده در رسانه‌ها و رفتار عاملان حادثه مورد قضاوت افکار عمومی قرار گرفته‌است. پرونده نجفی، شهردار اسبق تهران که هنوز به اتهام قتل همسرش در بازداشت به سر می‌برد از جمله این پرونده‌ها بود که خبرنگاران از ابتدا تا پایان جلسه دادرسی موضوعات مطرح شده را به خوبی منتشر کردند که انتظار است در مورد پرونده خرمدین هم به همان سیاق ادامه پیدا کند.

زورگیران مسافربر به ته خط رسیدند

سه سارق حرفه‌ای که در پوشش مسافربر اموال شهروندان را سرقت می‌کردند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه‌سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: چند روز قبل پرونده‌ای روی میز کارآگاهان پایگاه سوم‌پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی شکایت‌های مطرح شده نشان داد که سه مرد زورگیر سوار بر خودروی پراید مسافربر اموال شهروندان را سرقت می‌کنند. یکی از شاکیان گفت: کنار بزرگراه امام علی سوار یک خودروی پراید مسافربر شدم. به جز راننده دو مرد دیگر سوار خودرو بودند. حوالی خروجی سبلان بود که آنها با تهدید چاقو اموالم را سرقت کرده و من را از ماشین بیرون انداختند و فرار کردند.

مأموران پلیس در جریان بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند مسیر تردد یکی از سارقان را شناسایی و او را در مخفیگاهش در محله نظام آباد بازداشت کنند. بررسی‌ها نشان داد که متهم از مجرمان سابقه‌دار است که بارها به اتهام سرقت بازداشت شده و به زندان افتاده‌بود. متهم در بازجویی‌ها به زورگیری با همدستی دو عضو دیگر باند اعتراف کرد.

با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مشخص شد که یکی از اعضای باند به اتهام سرقت بازداشت شده و در زندان است که به اداره پلیس منتقل شد. مأموران پلیس همچنین موفق شدند سومین عضو باند را هم بازداشت کنند. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان در جریان است.

بوکسور قاتل: حالم خوب نبود!

متهم ۴ عضو خانواده‌اش را به قتل رسانده است

بوکسور قاتل که به اتهام قتل چهار عضو خانواده‌اش در بازداشت به سر می‌برد مدعی است هنگام حادثه حال روحی خوبی نداشته است.

به گزارش جوان، ۲۴مهرسال ۹۷، مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد از قتل چهار عضو یک خانواده در منزل مسکونی در خیابان پیروزی باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان می‌داد دو خواهر ۱۹و ۱۷ساله همراه پدربزرگ و مادربزرگشان با ضربات چاقو به قتل رسیده‌اند. عامل قتل هم که داماد خانواده به نام حسن بود، به خاطر خوردن قرص و زدن رگ دستش راهی بیمارستان شده بود.

با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، برادر حسن که در محل حضور داشت و مأموران را باخبر کرده بود مورد تحقیق قرار گرفت. او در توضیح گفت: «برادرم سال‌هاست با همسرش اختلاف دارد. روز گذشته با او کار داشتم به همین خاطر چند بار با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما پاسخی نشنیدم تا اینکه در آخرین تماس جوابم را داد، اما لحن صحبتش حالت خاصی داشت. آخر شب بار دیگر تماس گرفتم که دوباره جوابی نشنیدم. از نگرانی مقابل خانه‌شان رفتم، اما با صحنه وحشتناکی روبه‌رو شدم. اجساد دو دختر برادرم، پدر و مادرزنش روی زمین افتاده بود. برادرم نیز با زدن رگ دستش قصد خودکشی داشت که او را به بیمارستان رساندم، سپس او را راضی کردم خودش را تسلیم پلیس کند.»

شرح حادثه

با ثبت این اظهارات حسن بعد از بهبودی تحت بازجویی قرار گرفت. او در اظهاراتش گفت: «۲۴سال قبل، من و همسرم در مطب یک پزشک با هم آشنا شدیم و این آشنایی به ازدواج ختم شد. شغلم آزاد بود تا اینکه صاحب دو فرزند دختر شدیم. دختر بزرگم دانشجوی رشته حقوق بود و دختر کوچکم دبیرستانی بود. در رشته بوکس حرفه‌ای کار می‌کردم و زندگی خوبی داشتیم، اما چهار سال قبل من و همسرم به اختلاف خوردیم تا اینکه تصمیم گرفتیم از هم جدا شویم. مدتی از طلاق گذشت اما به خاطر فرزندانمان همسرم را صیغه کردم تا دوباره با هم زندگی کنیم ولی همسرم ناسازگار بود و دست از رفتارش برنمی‌داشت.»

متهم ادامه داد: «اختلاف ما زمانی بیشتر شد که همسرم مدام سرگرم گوشی‌اش بود. وقتی سؤال می‌کردم می‌گفت در حال بازی کردن است. به خاطر فرزندانم اهمیتی ندادم تا اینکه چند روز قبل حادثه برای او گل خریدم و به خانه آمدم. همسرم وقتی گل‌ها را دید مرا مسخره کرد و با بی‌اعتنایی جواب سلامم را داد. خیلی ناراحت شدم و به او گلایه کردم، اما او از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. چندبار به او پیامک دادم و چند بار تماس گرفتم تا با او صحبت کنم اما پاسخی نشنیدم. مجبور شدم سراغ پدر و مادرش بروم تا خبری از همسرم بگیرم اما آنها هم جواب درستی ندادند.»

متهم در خصوص قتل گفت: «دخترانم در خانه من بودند به همین خاطر با پدر و مادر همسرم تماس گرفتم و به بهانه اینکه قصد دارم به شمال کشور بروم و ویلایم را بفروشم خواستم به خانه‌ام بیایند تا دخترانم تنها نباشند. آن روز حال خوبی نداشتم به همین خاطر بار دیگر به پدر و مادر همسرم التماس کردم تا بگویند همسرم کجاست، اما اهمیتی ندادند. احساس کردم دروغ می‌گویند و از او خبر دارند. این رفتار باعث شد فکر کنم آنها عامل اختلاف من و همسرم هستند. به همین خاطر برای انتقام تصمیم قتل آنها را گرفتم.»

اجرای نقشه

او ادامه داد: «برای انجام نقشه، از خانه بیرون رفتم و مقداری شیر و موز خریدم و برگشتم. آنها را در ظرفی ریختم و مخلوط کردم. سپس تعدادی قرص خواب آور داخل آنها ریختم و داخل یخچال گذاشتم. ساعتی بعد آن را به دخترانم و پدر و مادر همسرم تعارف کردم که همگی بعد از خوردن شیرموز خوابشان برد. ابتدا سراغ دختر بزرگم رفتم. می‌خواستم او را خفه کنم، اما نشد به همین خاطر با چاقوی آشپزخانه گلویش را بریدم. سپس سراغ ساناز رفتم با مشت به گیجگاه او زدم. در حالی که نیمه بی‌هوش بود گلویش را بریدم. در آخر پدر زن و مادر زنم را که در پذیرایی خوابیده بودند، کشتم. چند ساعتی بالای سر جنازه دو دخترم نشستم و اشک ریختم. در آن شرایط برادرم تماس گرفت که به دروغ گفتم شمال هستم. اواخر شب بود که تصمیم گرفتم خودکشی کنم به همین خاطر تعداد زیادی قرص خوردم و رگ دستم را زدم اما برادرم رسید و مأموران را خبر کرد.» او درخصوص انگیزه قتل دخترانش گفت: «ناسازگاری‌های همسرم باعث شد مرتکب چنین جنایتی بشوم. نمی‌خواستم دخترانم سرنوشتی مثل مادرشان داشته باشند به همین خاطر آنها را کشتم!»

محاکمه

با ثبت این اظهارات، متهم به پزشکی قانونی معرفی شد تا اینکه کارشناسان بعد از بررسی‌های لازم اعلام کردند وی مبتلا به اختلالات عصبی نیست و سابقه اختلال روانی هم ندارد. با تأیید سلامت روانی متهم پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات و صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه بعد از تعیین شعبه روی میز هیئت قضایی شعبه‌دهم دادگاه قرار گرفت. ابتدای جلسه همسر سابق متهم در جایگاه قرار گرفت و برای قتل دخترانش درخواست دیه کرد، اما برای قتل پدر و مادرش درخواست قصاص کرد.

در ادامه او در پاسخ به سؤال قاضی مبنی بر اینکه چرا بعد از طلاق باردیگر رجوع کردی و به عقد موقت متهم در آمدی؟ گفت: «بعد از طلاق، او مدام تماس می‌گرفت، اما من جواب تماس‌هایش را نمی‌دادم. او دروغ گفته است من هیچ وقت صیغه او نشده بودم.»

در ادامه دیگر اولیای‌دم نیز برای قتل پدر و مادرشان درخواست دیه کردند.

سپس متهم به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت و خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و گفت: «همسر سابقم کلید خانه‌ام را داشت و به آنجا رفت و آمد می‌کرد. آن شب وقتی از خواب بیدار شدم، متوجه شدم دو دخترم و پدر و مادر همسرم کشته شده‌اند. از دیدن اجساد شوکه شده بودم و نمی‌دانستم چکار کنم به همین خاطر چند قرص خوردم و رگ دستم را زدم تا خودم نیز بمیرم. وقتی پلیس مرا دستگیر کرد به قتل اعتراف کردم تا قصاص شوم و زودتر پیش فرزندانم بروم.»

در پایان هیئت قضایی با توجه به مدارک در پرونده متهم را به قصاص و پرداخت دیه محکوم کرد. این حکم با اعتراض متهم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و در نوبت رسیدگی قرار داشت تا اینکه مشخص شد پرونده قتل دختران متهم با توجه به ماده ۲۲۰ ق.م.ا از جنبه عمومی جرم رسیدگی نشده است. در این ماده آمده است پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد. به این ترتیب پرونده بار دیگر در شعبه دهم به ریاست قاضی متین راسخ تحت رسیدگی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه متهم در حالی که سرش را پایین انداخته بود، خلاف دفاعیات جلسه قبل به جرمش اقرار کرد و گفت: در اولین جلسه محاکمه از ترس اعدام جرمم را انکار کردم اما حالا حقیقت را می‌گویم. آن روز در حال عادی نبودم و اوضاع روحی خوبی نداشتم. نمی‌فهمیدم دست به چه کار اشتباهی می‌زنم. حالا از کاری که کرده‌ام پشیمانم و بعد از تأیید حکم قصاص برای مرگ آماده‌ام فقط از همسرم تقاضا دارم قبل از مرگم مرا ببخشد و حلال کند. حالا هم برای قتل دخترانم تسلیم رأی دادگاهم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

نقض حکم قصاص حمید صفت

قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص حمید صفت، خواننده زیرزمینی را نقض کردند. متهم به زودی در شعبه دیگری در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

نورالله عزیز محمدی از وکلای عزل شده پرونده حمید صفت خواننده زیرزمینی که ۲۴مردادسال ۹۶ به اتهام قتل ناپدری‌اش بازداشت شده‌بود، با اعلام نقض حکم قصاص موکلش از سوی دیوان عالی کشور گفت این حکم جدیدی نیست و قبلاً هم این حکم صادر شده بود. او در ادامه گفت: «حمید وقتی بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت بعد از شرح حادثه، بازپرس پرونده طبق دفاعیات او قتل را غیر عمد تشخیص داد، اما دادیار اظهارنظر این اتهام را نپذیرفت و با استناد به بند الف و ب ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قتل را عمد تشخیص داد. این اختلاف به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد، اما شعبه رسیدگی کننده نیز قتل را غیرعمد اعلام کرد. با اعلام این نظریه پرونده این بار با اعتراض اولیای‌دم به شعبه ۳۹ دیوان‌عالی کشور فرستاده شد تا اینکه قضات آن شعبه نیز در تاریخ ۹ اسفندسال ۹۹ اعلام کردند قتل عمد نیست.

در رأی صادره دیوان آمده است: «پزشکی قانونی اعلام کرده‌است، علت مرگ خونریزی پرده سخت شامه و کوفنگی در قاهده لوپ گیجگاه و پیشانی مغز ناشی از ضربه کف دست بوده‌است. کمیسیون سه نفره پزشکی قانونی بیماری زمینه‌ای در مقتول را ۵۰درصد در مرگ مؤثر دانستند و کمیسیون پنج‌نفره ۶۷درصد و کمیسیون هفت‌نفره هم ۵۰درصد. اما کمیسیون ۹نفره پزشکی قانونی مصرف داروهای ضدانعقاد را مؤثر دانسته و نوشته است داروهای ضدانعقاد به دنبال هرگونه ضربه خفیف و غیرکشنده می‌تواند مرگ را ایجاد کند. کمیسیون ۱۱نفره هم استرس ناشی از نزاع را مؤثر در مرگ دانسته است. در نهایت بازپرس هیچ یک از بندهای الف و ب ماده ۲۹۰ را برای عمل ارتکابی مؤثر ندانسته و قتل را غیر عمد تشخیص داده است.»

عزیزمحمدی ادامه داد: بعد از اعلام این رأی و ارسال پرونده به دادسرا، نماینده دادستان بنا به دلایلی این بار با استناد به بندپ ماده ۲۹۰ به صدور کیفرخواست برقتل عمدی اصرار کرد. این در حالی است که بندپ و بندب ماده ۲۹۰ در قسمتی که به آگاهی و توجه متهم بر وضعیت مقتول و قتل اشاره می‌کند، یکی است و این استدلال درستی نیست.

به هرحال پرونده به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی که در تاریخ ۱۶اسفندسال ۹۹ تشکیل شد روی میز هیئت قضایی آن شعبه قرار گرفت. اولین جلسه فقط متن کیفرخواست از سوی نماینده دادستان قرائت شد! آن هم برای پرونده‌ای که همه مطالب روشن و واضح بود و دیوان عالی کشور هم بنا به اعتراض اولیای‌دم نظر به قتل غیرعمد داده بود. جلسه دوم دو روز بعد، در تاریخ ۱۸اسفندسال ۹۹ در حالی برگزار شد که قبل از شروع جلسه محاکمه، جلسه‌ای با حضور مستشاران و پزشک فوق‌متخصص برای بررسی نظریه پزشکی قانونی و ویدئو اسکن مقتول تشکیل شده‌بود. شور پزشکی نشان می‌داد، حمید صفت قتل غیرعمد انجام داده است و رئیس دادگاه نیز با استناد به رأی دیوان عالی کشور حکم بر غیرعمد بودن قتل را صادر کرد، اما دو قاضی دیگر حکم بر قصاص را صادر کردند. در پایان نماینده دادستان نیز با اینکه می‌دانست نظر دیوان عالی کشور ارجح است، درخواست بازداشت حمید صفت را صادر کرد و حمید بازداشت شد.»

این وکیل دادگستری گفت: «روزی که برای ثبت اعتراض به دیوان عالی کشور رفتم متوجه شدم از پرونده عزل شده‌ام. گلایه‌ای در این خصوص نیست، اما نکته اینجاست که حتی اگر وکیل جدید وارد پرونده نمی‌شد و حمیدصفت شخصاً اعتراض می‌کرد چون شعبه ۳۹ قبلاً حکم بر قتل غیرعمد داده‌بود، نمی‌توانست حکم خود را نقض کند و دوباره حکم قبلی خود را تأیید می‌کرد.»

وی در آخر گفت: «به عنوان قاضی با سابقه و وکیل دادگستری این را می‌دانم، وقتی دیوان عالی کشور به عنوان بالاترین مرجع رسیدگی کننده درباره یک پرونده با متهم و اتهام مشخص رأی صادر می‌کند، مرجع پایین‌تر نمی‌تواند دوباره آن را زیرسؤال ببرد و ساعت‌ها برای آن کیفرخواست بخواند و آخر درخواست بازداشت کند! به هرحال قبل از جلسات دادگاه همین شعبه ۳۹ که آقای صفت عنوان کرده حکم بر قتل غیرعمد داده است در ۹اسفندسال گذشته همین حکم را صادر کرده‌بود و این حکم چیز جدیدی در آن شعبه نیست.»

نجات از مرگ ۲۴ سال پس از قتل

مرد جوانی که ۲۴سال قبل صاحبخانه زن مورد علاقه‌اش را به خاطر سرقت ۳۴۰هزار تومان به قتل رسانده‌بود با کمک هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران و خیران موفق به جلب رضایت اولیای‌دم شد.

گزارش جوان، اوایل شهریور سال ۷۶ مرد جوانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و اعلام کرد پدر میانسالش به طور ناگهانی ناپدید شده‌است.

وی در توضیح ماجرا گفت: پدرم، پرویز وضع مالی خوبی دارد همیشه پول‌هایش را داخل کیف مخصوصی می‌گذارد.

دیروز پدرم برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و کیف مخصوصش را نیز همراه خود برده بود و در حالی که منتظر او بودیم به خانه باز نگشت. ما خیلی نگرانش شدیم و از دیروز با تمامی دوستان و بستگان تماس گرفتیم و حتی احتمال دادیم که تصادف کرده و در بیمارستان بستری شده باشد و به همین دلیل به مراکز درمانی سر زدیم اما اثری از پدرم پیدا نکردیم و الان احتمال می‌دهیم که برای او اتفاق ناگوار افتاده باشد و به همین دلیل به اداره پلیس آمدیم و درخواست کمک داریم که پدرم را پیدا کنیم.

ردپای زن مستأجر

با اعلام شکایت مرد جوان تیمی از مأموران پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی برای یافتن پرویز وارد عمل شدند.

نخستین بررسی‌ها نشان داد پرویز خانه‌ای در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران دارد که به زن جوانی به نام مهین اجاره داده است.

همچنین مشخص شد پرویز روز حادثه قرار بوده برای گرفتن اجاره به خانه مهین برود. سپس مأموران پلیس برای پیدا کردن ردی از مرد گمشده راهی خانه مهین شدند که در یافتند وی پس از حادثه از خانه‌اش به مکان نامعلومی گریخته‌است.

بررسی‌های میدانی مأموران پلیس نشان داد روز حادثه همسایه‌ها صدای درگیری پرویز و مهین و مرد جوانی که همیشه به خانه مهین رفت و آمد داشته شنیده‌اند. همچنین همسایه‌ها اعلام کردند پرویز پس از درگیری از ساختمان خارج نشد اما مهین و مرد جوان سراسیمه از خانه بیرون رفتند.

در چنین شرایطی مأموران پلیس احتمال دادند که پرویز از سویی مهین و مرد جوان داخل خانه به قتل رسیده است و بدین ترتیب با دستور قضایی وارد خانه مهین شدند.

کشف جسد در آب انبار

مأموران پلیس در بازرسی از خانه مهین با آثاری از درگیری روبه‌رو شدند و پس از جست‌وجوی زیاد پیراهن خونین پرویز را نیز کشف کردند که نشان می‌داد مرد صاحبخانه در همین مکان به قتل رسیده و جسدش نیز داخل ساختمان است. مأموران پلیس در ادامه جست‌وجوها جسد دست و پا بسته پرویز را داخل آب انبار خانه کشف کردند که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. در بررسی‌ها مشخص شد زن و مرد جوان پس از انتقال جسد به آب انبار فقط موفق شده‌اند روی آن را با پارچه بپوشانند و بدون اینکه وسایل خانه را به مکان دیگری منتقل کنند به سرعت از خانه فرار کرده‌اند که دستگیر نشوند.

دستگیری زن مستأجر

همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی، کارآگاهان جنایی تحقیقات خود را برای دستگیری مهین آغاز کردند و خیلی زود موفق شدند وی را در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت کنند.

متهم پس از دستگیری به قتل صاحبخانه با همدستی مرد مورد علاقه‌اش به نام شاهرخ اعتراف کرد. وی در توضیح حادثه گفت: پرویز معمولاً برای گرفتن اجاره در پایان هر ماه به خانه‌ام می‌آمد. شب حادثه وقتی وارد خانه من شد شاهرخ مهمان من بود که پرویز با دیدن او اعتراض کرد و گفت «من خانه را به یک نفر اجاره داده‌ام» که من قول دادم، شاهرخ را از آن شب به بعد به خانه‌ام راه ندهم.

من آن لحظه پول اجاره را نداشتم که قرار شد پرویز چند ساعت بعد دوباره به خانه برگردد و اجاره‌اش را بگیرد. وقتی پرویز از خانه‌ام بیرون رفت به شاهرخ گفتم که صاحبخانه‌ام همیشه داخل کیفش همیشه مقدار زیادی پول می‌گذارد و وقتی هم اجاره را به او می‌دهم پول‌ها را داخل همان کیفی که همراه دارد می‌گذارد. شاهرخ با شنیدن حرف‌های من وسوسه شد و نقشه سرقت کیف پول پرویز را طراحی کرد و من هم قبول کردم. وی ادامه داد: ساعتی بعد وقتی پرویز دوباره با همان کیف پر از پول وارد خانه من شد طبق نقشه من داخل چای او مواد بی‌هوشی ریختم و او هم پس از نوشیدن چای از هوش رفت که مرد مورد علاقه‌ام او را با چاقو به قتل رساند. پس از این ۳۴۰هزار تومان که ۱۴۰هزار تومان پول نقد و ۲۰۰هزار تومان چک پول مسافرتی داخل کیفش بود سرقت و از خانه فرار کردیم.

دستگیری قاتل

با اعتراف زن جوان مأموران پلیس شاهرخ را به عنوان قاتل تحت تعقیب قرار دادند و در نهایت پس از چند روز وی را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها با تأیید حرف‌های مهین به قتل پرویز با انگیزه سرقت اعتراف کرد. دو متهم پس از تحقیقات تکمیلی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند. اولیای‌دم برای متهمان درخواست اشد مجازات کردند و هیئت قضایی شاهرخ را به جرم قتل عمد به قصاص و مهین را به جرم معاونت در قتل صاحبخانه‌اش به زندان محکوم کردند.

بخشش قاتل

حکم قصاص قاتل پس از تأیید در دیوان‌عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. چندی قبل قاتل پس از گرفتن استیذان حکمش از رئیس قوه‌قضائیه در زندان رجایی‌شهر پای چوبه‌دار حاضر شد. در حالی که طناب دار به گردن متهم آویخته شده بود تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی قاضی محمد شهریاری تلاش زیادی برای گرفتن رضایت از اولیای‌دم انجام دادند تا اینکه اولیای‌دم اعلام کردند در صورتی قاتل را می‌بخشند که دیه پرداخت کند. بدین ترتیب قاتل از پای چوبه دار به سلولش بازگشت اما نتوانست دیه مقتول را جمع‌آوری کند.

در حالی که قاتل پس از گذشت مهلتش موفق به پرداخت دیه به اولیای‌دم نشده بود، وی چند روز قبل برای دومین بار پای چوبه دار حاضر شد که این بار هم هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران وارد عمل شدند و برای متهم درخواست مهلت کردند و قاتل دوباره از پای چوبه دار به سلولش بازگشت. در نهایت چند روز قبل متهم با کمک خیرین موفق شد دیه مقتول را به اولیای‌دم پرداخت کند و پس از ۲۴سال انتظار چوبه دار به زندگی دوباره امیدوار شد.

متهم به زودی از زندان آزاد خواهد شد.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز وانت نیسان ۲۴۰۰ مدل ۸۶ پلاک ۷۳-۹۵۱د۷۳ش موتور ۴۱۴۱۰۶ ش شاسی k۱۲۴۱۸۶ به نام: فاطمه آگاه فرزند فرامرز کد ملی ۲۴۹۱۱۵۱۷۸۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز و سند خودرو سایپا ۱۳۱se مدل ۹۸ پلاک ۷۳-۵۷۴د۵۶ ش موتور ۶۳۶۰۳۴۴m۱۳ ش شاسی Nas۴۱۱۱۰k۱۱۵۸۵۰۴ به نام: اسما اربابی سدهی فرزند سلمان کد ملی ۲۴۸۰۲۹۷۶۱۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت بهتاز ۱۲۵ سی سی پلاک ۱۶۸۸ ایران ۶۱۴۳۴ ش موتور ۵۷۰۰۸۶۱۲ ش شاسی Ncr***۱۲۵b۸۹۱۴۰۷۸ به نام: علی باز ابراهیمی فرزند علی مراد کد ملی ۲۴۹۰۲۵۶۸۶۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز